



۲۰۱۶/۰۲/۰۴

احسان الله مایار

آیا حقیقت و واقعیت ثابت وجود دارد و یا اینکه نفس نویسنده در آن دخیل است؟

بخش سوم و ختم

در نظر داشتیم تا در این بخش اختصاصاً بالای نوشته های آقای محمداظم سیستانی که در سایت «افغان جرمن آنلاین» زیر عنوان «تکمله ای بر کتاب تذکر الانقلاب، آئینه تمام نمای فجایع حکومت سقوی»، اثر مؤرخ نامدار افغان در هفت قسمت نشر گردیده مکثی نموده و یک بار دیگر بالای بعضی مطالب آن از دید خود روشنی انداخته و توضیحات مطلوب را روی صفحه روزگار بیاورم، لیک بعد از مطالعه نوشته شش صفحه ای اخیر آقای سیستانی که در سایت همان وبسایت نشر شده است در پلان کاری خود تغییری وارد نمودم و این سلسله نوشته خود را در مورد معرفی مجدد «جنبش مشروطیت در افغانستان» با اقتباس از اثر بزرگ مرحوم پوهاند عبدالحی حبیبی تخصیص می دهم.

البته اختصاص دادن این مطلب خاص نیز بنوعی با یک تبصره ای از نوشته آقای سیستانی رابطه پیدا می کند که وی در صفحه چهارم بخش چهارم خویش چنین می نگارد :

«... باید اذعان کرد که در مقطع معین از تاریخ، نادرخان و برادرانش، برای نجات کشور از چنگ دزدان و چپاولگران و متجاوزان سقوی به ناموس مردم، کارنامه آفریدند و وطن پرستانه عمل کردند که مثبت و نجات بخشا بود و از روی انصاف باید که آنها را ستود و نمره اعلی داد. اما اینکه بعد از گرفتن قدرت آنها چی روزی بر سر مردم روشنفکر و آزادیخواه و مشروطه خواه افغانستان آوردند، تاریخ کارنامه هر یک را در سینه خود حفظ کرده و بیان می کند، اما یک تفاوت که نادرخان و برادرانش، به عزت و ناموس مردم افغانستان مثل سقوی ها هرگز هتک عصمت و هتک حرمت نکردند.»

علاوه بر این در صفحه پنجم قسمت ششم نوشته آقای سیستانی می خوانیم که:

«... نجات مردم کابل و سراسر افغانستان از دست دزدان مال و ناموس و عزت و شرف و غرور استقلال طلبی مردم افغانستان، یک کار سترگ ملی بود و با درنظرداشت شرح انواع جنایات سقوی از سوی کاتب هزاره، جاداشت که مردم افغانستان، به پاس آن خدمت بزرگ، نادرخان را به پادشاهی خود برگزیند...»

ازینکه آقای سیستانی بعد از تحقیق و مطالعه اثر مرحوم فیض محمدکاتب متقاعد می شوند و نقش نادرخان و برادرانش را برای نجات کشور از چنگ دزدان سقوی می ستایند و به آنها نمره اعلی را اعطا می کنند و از

انصاف کار می گیرند، در واقعیت یک صفحه بزرگ از خدمات این خانواده را با حقایق پیوند می کنند و موقف آنها را در تاریخ میهن ما به مقام اصلی آن قرار می دهند، که این یک عمل صادقانه به شمار می رود و با این شرح واقعی جوایده معاندین و مخالفین پادشاه شدن محمد نادرخان را با درایت و کفایت کامل می شوند. در اخیر پاراگراف چهارم قسمت چهارم این سلسله آقای سیستانی از «مردم روشنفکر و آزادیخواه و مشروطه خواه افغانستان» نیز یاد می کند که برای بنده یک موضوع جالب بوده و همیشه در پی آن بودم تا این اشخاص قابل احترام جامعه ما را بشناسم تا راجع به نام و نشان آنها معلومات به دست آورده بتوانم. خوشبختانه اثر مرحوم پوهاند حبیبی «جنبش مشروطیت در افغانستان» که از محتوی آن در مقال اخیر خود استفاده نموده ام، یک منبع خوب شناسائی با اعضای مشروطیت خواهان افغانستان و مرام آنها بوده که یقین دارم برای خوانندگان گرامی «آریانا افغانستان آنلاین» خارج از دلچسپی نخواهد بود، در دسترس خود دارم و در نظر دارم تا در آینده این اثر را به عون خداوند متعال زیر عنوان اصلی آن «جنبش مشروطیت در افغانستان» نشر نمایم.

و من الله التوفیق

